

حکایت نظر

در این شماره می‌خوانید:

نظریه امامت فرصت همواره امامت فردا

۲

الگوی خودبانی رشد در متن فراوری تاریخیت امر انسانی با سوره بقره

۳

جایگاه ترتیبی و تنزیلی سوره اعراف

۵

الگوی آغازین برنامه‌ای برای مسیر زندگی علمی

۹

خطوط برنامه‌ای مبنا در الگوی گفتمانی سناد معماری و شهرسازی اسلامی

۱۱

به نام خداوندگار حکمت تغییر

پیش حکایت

جهان ایرانی - اسلامی در طی فراوری - مدرنیته - درون‌زای دو سده اخیر خویش، در عصر انقلاب اسلامی و در پس جنبش‌های سیاسی و فرهنگی خویش، به تدریج رهسپار بسامان‌بری اندیشه، نظریه و گفت‌وگو خودویژه پیشرفت خویش از جمله برای غلبه بر بحران نسبت مذهب و سیاست گردیده است و دو نهاد نخبگی دانشی یعنی حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های کشور و نیز نخبگان اندیشه‌ای دوره معاصر جامعه ایرانی، رهسپار بنیان‌های معرفت‌شناسی این جنبش درون‌زا گردیده‌اند. انگاره‌های صف مصلحان اندیشه‌ای و مدیریت عالی و راهبردی نظام در متن این تجربه تحولی، با توجه به ضرورت خودویژه‌سازی الگوی پیشرفت در این برهه تمدنی و جنبش معرفت‌شناختی زیرساز آن، به تدریج معطوف به اقتضانات و الزامات اقتدار ملی با محوریت رشد - توسعه درون‌زا گردیده‌اند. اینک و در این برهه، مأموریت نهادهای پیشاهنگ پیشرفت‌پژوهی و دیده‌بانی پیشرفت در طراحی «الگوی راهبری تحول» و در متن رهنگاشت دستیابی به الگوی درون‌زای پیشرفت راهبردی‌ترین فصل تحقق نقشه جامع علم و نقشه جامع علمی کشور محسوب می‌شود.

در این شماره، گزارش‌های چندی پیش‌روی مخاطب قرار می‌گیرد:

۱. در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنا، در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت گزارش «نظریه امامت فرصت همواره امامت فردا» در دستور تأمل آمده است؛

۲. در گروه مطالعات تفسیری، در پردازش حیث استنادی اندیشه مرجع تفسیری به متن نص از جمله گزارش «جایگاه سوره حمد»، «الگوی خودبانی رشد در متن فراوری تاریخیت امر انسانی با سوره بقره»، «زن، مدنیت، زندگی و توسعه با سوره نساء»، «مدخلی بر روش‌شناسی تفسیری پیشرفت» و «جایگاه ترتیبی و تنزیلی سوره اعراف» مرور خواهد شد؛

۳. فراوری الگوی اخلاق و سبک زندگی یا حیث زیستمانی اندیشه و نظریه پیشنهادی پیشرفت، فصلی از فرصت پژوهش در گروه اخلاق و سبک زندگی است. بر این اساس گزارش «الگوی آغازین برنامه‌ای برای مسیر زندگی علمی» در این شماره به‌معرض نظر می‌آید؛

۴. گروه پژوهش هنر درصدد ارائه گزارش پژوهش هرمنوتیکی مطالعات دلالتی نظریه توسعه است. فصل برجسته‌ای از این مباحث مطالعات میان‌رشته‌ای فلسفه و فقه شهر است. در همین راستا، گزارش «خطوط برنامه‌ای مبنا در الگوی گفتمانی سناد معماری و شهرسازی اسلامی» پیش‌رو می‌آید.

دبیر علمی

دبیر علمی: احمد آکوچکیان

در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنا در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت، گزارش «نظریه امامت فرصت همواره امامت فردا» در دستور تأمل آمده است.

نظریه امامت
فرصت همواره امامت فردا

نیاز است. این‌گونه همه تاریخ نیز فلسفه گرفته است. خط امامت علوی - فاطمی در گفتنی‌ها، اصول و سنت‌های مبنای زیست انبیایی، مصطفایی و اوصیایی با امام حسن عسکری علیه السلام به فرجام گویش با خلق رسیده است. منظومه امکانی انتظارات و نیازها و فرانتظارات و فرانیازهای بشری تا این امام با پاسخ‌های دم‌به‌دم آینده‌نگار راهبردی این اولیا به میان آمده و پاسخ گرفته است که اگر سؤال‌ها و انتظارات زنده مرجع در اتفاق پیشرفت هم‌چنان در میان بود، فلسفه‌ای برای غیبت تا وقت موعود مهیاشدگی انسان‌ها و بشر برای انتظارات آل‌البیت علیهم السلام نمی‌بود.

جنس تجدد وعده داده‌شده الهی تا ولی چهاردهم و امام دوازدهم الگوی عینیت‌بخش معینی گرفته است. اصل مبنا در فلسفه غیبت آن است که دو نظام دادوستدی ترتیبی و تنزیلی قرآن کریم و خط نبوت مصطفایی تا امامت اوصیایی مجموعه مسئله‌های تاریخی امکان تجدد انسانی را تا هر وقت حیات بشری پاسخگو است. این نظام دادوستدی و این خط نبوتی - امامتی، خط دادوستدی و رفت‌وبازگشتی پارادایم تا نظریه را در متن حقیقت دین و مدل‌های مفهومی و عملیاتی و گفتن‌ها را در متن تحقق دین در خویش دارد.

اکنون این خط پاسخگویی تاریخی آینده‌نگار منتظر است تا انسان‌ها و بشر در عینیت تاریخی خویش «کی و چه موقع» عینیت‌بخش پاسخ‌ها و راهبردهای پیشنهادی آن اوصیا هستند. اینک خط اوصیا منتظر قیام عینی خط تاریخی بشر است. دیر یا زود آن با اهتمام خودخواسته و خودآگاه این بشر اراده‌ورز تاریخی است.

بدین‌روی انتظار بی‌پاسخ از سوی آل‌البیت علیهم السلام تا وقت امام حسن عسکری علیه السلام دیگر وجود ندارد. از آن پس، خط امامت در انتظار کیفیت عمل بشری در برابر این پاسخ‌ها است.

با نمونه موقعیتی راهبری علوی دانش‌بنیان و راهبردی دوره‌گذار تحقیقی دین و توسعه‌ای انسانی، یک نمونه عینی ممکن دیگر با امام حسن عسکری علیه السلام می‌رسد. رخدادهای تازه‌آمد پارادایمی و در پایه، رخدادهای فلسفه دینی اساس تازه‌ای نیز در نگرش به اصل امامت ایجاد می‌کنند. امام حسن عسکری علیه السلام در آغاز جوانی به شهادت می‌رسند. کار نزدیک نیم قرنه تدبیر دانش‌بنیانی مدنی در یک دوره کمتر از پنج سال اتفاق می‌افتد و فرزندی که باید از چشم‌ها پنهان باشد، فرزندی با پشتیبانی تربیت‌شده‌های پدر برای فرصت‌گیری بلوغ بایسته.

با ۶۹ سال فرصت غیبت صغری برای امام علیه السلام، سالک به اوج پختگی رسیده و فصل انتظار فاعلیت رشد - توسعه‌ای آدمیان مخاطب بسته به لیاقت و آمادگی آن‌ها آغاز شده است؛ به این معنا که از پایان قرن سوم تا اینک یعنی قرن پانزدهم، هنوز انسان مخاطب دین لیاقت حضور آن راهبر معیار را نیافته است (صبری بلند از خدای اوصیا برای همت‌گیری انسان‌های مخاطب دین قرآنی - اوصیایی!) تا به این‌گونه افزون بر هستی‌شناسی انسان تاریخی انسان‌شناسی او نیز فرصت معناگیری یابد. به شخص امام پنج‌ساله نیازی نیست، به حضور راهبرنده هفتادساله او

خط امامت علوی - فاطمی در گفتنی‌ها، اصول و سنت‌های مبنای زیست انبیایی، مصطفایی و اوصیایی با امام حسن عسکری علیه السلام به فرجام گویش با خلق رسیده است.

دبیر علمی: احمد آکوچکیان

گروه مطالعات تفسیری در بخشی از تکاپوی دانشی خود، پروازش حیث استنادی اندیشه مرجع تفسیری به متن نص (قرآن کریم و سنت اوصیایی) را در دستور هم‌اندیشی، پژوهش و تألیف دارد و برای نمونه در این شماره، چند گزارش از جمله «جایگاه سوره حمد»، «زن، مدنیت، زندگی و توسعه با سوره نساء» و «جایگاه ترتیبی و تنزیلی سوره اعراف» به معرض نظر می‌آید.

و اصل الگوی رشد در قالب یک منشور اجمالی یا یک ایده اولیه، یک چشم‌انداز یا یک سند چشم‌انداز به تمامیت فرایند، باید دارای چند نقطه تحلیلی باشد. شاخصه‌های تحلیلی یک سند چشم‌انداز به رشد عبارت‌اند از:

۱. اصیل‌ترین فرایند؛ این‌که به دنبال چه می‌گردیم؟ اصل جست‌وجوی بشر، خواسته او و اصیل‌ترین دغدغه او کدام است؟
۲. بنیادی‌ترین نگرش به خود، هستی و زندگی؛
۳. اصیل‌ترین جهت‌داری کلیت حیات؛
۴. چاره‌سازترین رویکرد در وقت اضطرار یا استعانت؛
۵. روش حرکت، روش مدیریت امکانات؛
۶. درست‌ترین موضع‌گیری کارآمد انسانی، اجتماعی و تاریخی؛
۷. و در برآیند این شش مؤلفه و در کوتاه‌ترین تعبیر: «نسبت انسان با خداوند» یا «نسبت خودشدگی با خودبودگی» و یا «نسبت انسان با خودی خویش».

الگوی خودبانی رشد در متن فراوری
تاریخیت امر انسانی با سوره بقره

سوره حمد «نظریه و منشور مبنای رشد» را پیش‌رو گذاشت و مخاطب به آستانه معبود لایق یعنی «الله» آمده است. اکنون در ساختار و رویکرد ترتیبی و سیستمی مفهومی، معارفی و نظریه‌ای رشد کتاب کریم، دین الهیاتی و نظریه تنزیل در وقت راهبردی اواخر وقت بعثت و نیمه اول هجری در متن ظهور مدنیت عصر مصطفایی و نیز حضور ممکن هر نوع و وقت معاصریت ظهور مدنیت در هر زمان و زمینی، وقت آغاز تفصیل آن منشور در جامع‌ترین سوره این کتاب یعنی سوره بقره در ضمن معادلات دین و تدین، نظر و عمل، پارادایم تا گفتمان و واقعیت رسیده است. ساختار سوره

جایگاه سوره حمد

تبیین یک الگوی ترتیبی، تنزیلی و نیز موضوعی رشد در گام اول در گرو فهم یک منشور یا «مدل اجمالی رشد» است و سپس تفصیل این الگوی اجمالی در سه فرایند پژوهش تفسیری: ۱. در فرایندی از عینیت تحول عام اجتماعی به ژرفانگری جریان اصیل رشد وجودی انسان، در فرایند پژوهش ترتیبی؛ ۲. در فرایند پژوهش تنزیلی یا تفسیر قرآن کریم به ترتیب کلیت نزول؛ ۳. در فرایند پژوهش موضوعی کلان‌نگر رشد - توسعه. منشور (یا نگاه یا مقدمه یا بینش) اولیه، با سوره حمد شکل می‌گیرد و تفصیل این چشم‌انداز، در ادامه سوره‌ها، در نظام موضوع ترتیبی قرآن کریم در قالب مجموعه‌هایی پیوسته از سوره بقره، آل عمران، نساء و ... تا در نهایت سوره فلق و ناس صورت می‌پذیرد.

جایگاه «سوره حمد» در مجموعه ترتیبی قرآن کریم از همین منظر تحلیل می‌شود. برای پیشنهاد یک منشور و یا به تعبیر دقیق‌تر، برای ورود به تفسیر تحلیلی یک منشور جامع رشد، نیازمند مقدمه‌ای برای فهم اجمالی همه الگو هستیم. سوره حمد این بینش جامع را نسبت به همه آموزه‌های وحی در کوتاه‌ترین تعابیر به دست می‌دهد. سوره، خود، در دو سطح تفسیری، مورد تحلیل قرار می‌گیرد:

- در یک سطح، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مورد تفسیر قرار می‌گیرد؛
 - و در سطح بعد، کل سوره تفسیر می‌شود.
- برای دریافت عمیق‌تر ساختار تحلیلی سوره حمد، پیش‌تر باید به یک تحلیل اولیه (از یک الگوی اجمالی چشم‌انداز به رشد) پرداخت. اساساً تبیین مقدماتی و پیشنهاد چشم‌انداز کلان

زن، مدنیت، زندگی و توسعه با سوره نساء



با سوره نساء، می‌توان دریافت که جامعه عصر رسول قوام مدنی خویش را در عینیت آن عصر در خط راهبری به «رشد» گرفته است، پس می‌توان از «منظومه و نظام جامع اجتماعی رشد» سخن گفت. ابعادی از این ساختار مدنی در ترجمان یک الگوی معین راهبری تحول و توانمند در ایجاد تغییر اجتماعی و به تبع آن تحول تمدنی، در این سوره ساخت گرفته است.

نظام مدنی جامعه اسلامی عصر رسول از الگوی جامع رشد گرفته تا الگوی نظام اجتماعی، سیاست تعامل با جریان‌های مهاجم (خط شرک و نفاق) و اهل کتاب، اخلاق عمل و نمدگیری این‌ها در سنت انسانیت، نبوت و امامت رسول با آموزگاری سوره نساء پیش‌رو است و در این راستا و در ضمن این الگو و نظام مدنی، شکل‌دهی الگوی فراوری جغرافیای مسئله زن در متن تنزیلی آینده‌نگار مدنیت اجتماعی به قصد عبور از نمونه‌های سبب نزولی به تدبیر عینیت‌های شأن نزولی در راستای راهبری توسعه‌ای جامعه مدنی و زمینه‌سازی ویرایش مستمر فقه نظام حکم در ضمن نظام زیستمانی دین رشد آموخته می‌شود.

سوره در نگرشی مقایسه‌ای با دیگر مکاتب داعیه‌دار دین الهی (اهل کتاب) به فاعلیت تغییر اجتماعی می‌پردازد و از درون این فاعلیت، نظریه قرآن‌بنیان «فاعلیت فراجنسیتی مدنی» را برمی‌آورد. سوره در مدینه و در برهه سازمان‌دهی جامعه اسلامی نازل شده است و بر آن است که با چشم‌انداز زیستمانی، این ظرفیت مدنی را توسعه بخشد.

سوره نساء مجالی است تا تفسیر نظام احکام از مجرای بازخوانی مبانی پارادایمی و نظامات مطلوب به تلقی تازه‌آمدی از نظام احکام برای تفسیر نقطه صفر احکام نظام تغییر و تحول دررسد. با این نقطه صفر، زن داخل در معادله مدیریت تغییر می‌شود و همواره مبتنی بر پیشران‌های پارادایمی و نظام حکمی، امکان حضور لایه‌های دیگرگونی در متن مناسبات مدنی - تمدنی را دارد.

نزول سوره بالحاظ جایگاه تاریخی آن، پس از غزوه احد و دوران آرامش تدریجی جامعه مدنی است؛ جامعه مدنی فرصت تثبیت یافته است و اینک نکته‌های قابل‌توجهی برای تدبیر

تحولی در سوره مدنظر است. در رویکرد

روشن‌بین فلسفه دینی همواره نظام

مسائل، برآیند دو فصل انتظار از

دین در نگاه بیرون دین و نیاز

اولین بسط تحلیلی سوره حمد، با سوره بقره پیش‌رو است. نوع هدف و ساختار سوره باید توجیه چرایی حضور این سوره با این مشخصات را پس از سوره بقره به دست دهد. سوره، الگوی عینی زیستی خودبانی رشد را پیش‌رو می‌گذارد.

سوره پنج بخش برجسته را در خویش دارد، از جمله:

۱. رهسپاری به یک نظریه مبنا و فلسفه خودبانی رشد در سه لایه تحلیل:

بخش مبانی پارادایمی و نظری تا ساختار عمومی نظریه خودبانی رشد (پیشرفت) و بنیان انسان‌شناخت فلسفی آن (خلافت الهی انسان و خضوع فرشتگان در برابر انسان کامل) در آیات ۱ تا ۳۹؛

۱. ۱. در ترسیم مقایسه‌ای الگوی خودبانی رشد از آیه ۱ تا آیه ۲۰، در نسبت کتاب و هدایت با انسان و تصویرهایی از ایمان و کفر و نفاق و برخوردی با این دسته‌ها.

۱. ۲. در پذیرش دین از آیه ۲۱ تا ۲۸، به دعوت عام و هدایت به عبودیت می‌رسیم، با روش‌ها و معالجه‌های متعددی که «ریب» در کتاب و رسول و تنزیل را درمان می‌نماید.

۱. ۳. بر مبنای خاستگاه هستی - انسان‌شناسی این فلسفه جامع دین از آیه ۲۹ تا ۳۹، به داستان خلقت جهان و خلافت انسان می‌رسیم، با توجه به ولایت و هدایت و ایمان و کفر و امن و عذاب.

سوره حمد «نظریه و منشور مبانی

رشد» را پیش‌رو گذاشت و مخاطب به آستانه معبود لایق یعنی «الله» آمده است.

اکنون در ساختار و رویکرد ترتیبی و سیستمی مفهومی، معارفی و نظریه‌ای رشد کتاب کریم، دین الهیاتی و نظریه تنزیل در وقت راهبردی اواخر وقت بعثت و نیمه اول هجری در متن ظهور مدنیت عصر مصطفایی و نیز حضور ممکن هر نوع و وقت معاصریت ظهور مدنیت در هر زمان و زمینی، وقت آغاز تفصیل آن منشور در جامع‌ترین سوره این کتاب یعنی سوره بقره در ضمن معادلات دین و تدین، نظر و عمل، پارادایم تا گفتمان و واقعیت رسیده است.

نوع هدف و ساختار سوره باید توجیه چرایی حضور این سوره با این مشخصات را پس از سوره بقره به دست دهد.